

عوامل موثر بر وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی

Factor affecting the rural woman's socio-economic status

طاہرہ ملکی^۱، مہنا شاہمرادی^۲، علی اصغر میرک زاده^۳، الہام نجفی کاکاوند^۴، جیران چام چام^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

چکیده

ارتقای حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان در آن از دیرباز و به‌طور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است، اما با وجود اینکه زنان روستایی علاوه بر امور خانه‌داری، همسر داری و تربیت فرزندان در بسیاری از فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی روستا نیز سهیم‌اند، از جایگاه و رتبه خاص اجتماعی و اقتصادی در جامعه‌ی روستایی برخوردار نیستند. همچنین مطالعات محدودی در مورد موقعیت اقتصادی-اجتماعی آنان صورت گرفته است. لذا با توجه به ضرورت پژوهش، این مطالعه توصیفی-تحلیلی در جهت تحلیل وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی صورت گرفت. نمونه آماری این تحقیق را تعداد ۱۰۳ نفر از زنان روستای کهریز شهرستان کرمانشاه با استفاده از جدول کرجسی مورگان و با روش نمونه‌گیری ساده تصادفی تشکیل دادند (N=۲۷۴). نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ۹۶/۲ درصد زنان روستایی از موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین و متوسطی برخوردار بوده و تنها ۳/۹ درصد زنان روستایی مورد مطالعه از وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالایی برخوردار هستند. نتایج حاصل از رگرسیون لجوجیت نیز نشان داد که از میان متغیرهای در نظر گرفته شده برای بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان، متغیرهای میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیتی دارای تأثیر معناداری بر ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: وضعیت اجتماعی-اقتصادی، زنان روستایی، توسعه‌ی انسانی، رگرسیون لجوجیت.

^۱ دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تبریز "نویسنده مسئول" golenarjes_313@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۳ استادیار ترویج و توسعه روستایی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۴ کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۵ کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه و بررسی منابع

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشرفت کشورها، بویژه کشورهای در حال رشد بر هیچ کس پوشیده نیست. بنا به اعتقاد کارشناسان مختلف، پیش شرط دستیابی به توسعه روستایی هم، بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی است. بطوری که، منابع انسانی فعال در امور اجتماعی و اقتصادی سبب تسریع فرآیند توسعه و دستیابی به توسعه همه‌جانبه خواهند شد. بنابراین، باید به اهمیت نقش زنان و مردان در جامعه به صورت یکسان نگریسته شود و تبعیض‌های جنسیتی مختل‌کننده حضور زنان در اجتماعات مختلف برداشته شود. به‌طور کلی، با وجود موانع متعدد جهت حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بنظر می‌رسد حضور زنان شهری در فعالیت‌های توسعه‌ای بیشتر بوده و روز بروز در حال بهبود و گسترش است. در حالی که، نقش زنان روستایی در فعالیت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی بسیار کم‌رنگ می‌باشد. ضمناً، این زنان نه تنها از موقعیت اجتماعی و اقتصادی شایسته برخوردار نیستند، بلکه وضعیت آنان در طراحی بسیاری از فعالیت‌های توسعه نادیده گرفته می‌شود. این در حالیست که زنان روستایی قشری زحمتکش و ضعیف هستند که علاوه بر همسراری، پرورش فرزندان و مدیریت زندگی، حدود چهل درصد از فعالیت‌های کشاورزی و نود درصد از فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی را نیز به عهده دارند (Mirzai, 2006). بنابراین، توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و تلاش در جهت بهبود آن، نه تنها سبب پایداری بیشتر بنیاد خانواده شده، بلکه بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستا و به دنبال آن استحکام بیشتر بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را بدنبال خواهد داشت. لذا، پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی و بررسی عوامل مؤثر بر بهبود آن صورت گرفت. دستاوردهای حاصل از این پژوهش به برنامه‌ریزان توسعه روستایی کمک می‌نماید که در برنامه‌های توسعه بیش از پیش به وضعیت و شکاف موجود بین زنان و مردان در روستا توجه کرده و با ارائه برنامه‌هایی در جهت رفع این شکاف و بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی گامی مثبت و مؤثر بردارند.

اکثر نظریه پردازان توسعه معتقدند که منابع انسانی هر جامعه‌ای عامل تعیین‌کننده خصوصیت و روند توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی آن جامعه است. به‌عنوان نیمی از منابع انسانی، زنان نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای هستند، بلکه عامل پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می‌آیند (Azami & Soroush, 2010). زنان روستایی به عنوان بخش عمده‌ای از جمعیت زنان، یکی از عوامل غیر مشهود در اقتصاد کشاورزی و همچنین نیروی عمده برای تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هرچه بیشتر تولیدات مواد غذایی هستند. بکارگیری صحیح و مطلوب از این منبع مهم، نه تنها نیل به اهداف توسعه را آسان‌تر می‌کند، بلکه از نظر تحقق هدف‌های توزیع عادلانه‌تر درآمدها و افزایش رفاه و سطح زندگی خانواده‌ها تأثیرات مثبتی ایجاد خواهد کرد (Ravad Rad, 2000). اما بخش اعظم کارهای انجام شده توسط زنان روستایی نهفته مانده و به حساب نمی‌آید. در نتیجه، آنان از برنامه‌های توسعه‌ی روستایی محروم مانده‌اند و تنها امور مربوط به مراقبت از بچه‌ها، تغذیه و غیره به ایشان نسبت داده شده است. این مسأله باعث گردیده تا طراحان و برنامه‌ریزان

از پتانسیل خاص زنان روستایی غفلت نمایند (Falkingham & Namazie, 2002) و عدم توجه به این مهم منجر به شکست و ناکارآمدی شدن برنامه‌های توسعه می‌شود (Jamshidi, 2003). علاوه بر این، عقب نشینی جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری در روند توسعه، مشکلات موجود را به گونه‌ای فزاینده دامن می‌زند و چالش‌هایی را در برابر نقش زنان در جامعه‌ی روستایی ایجاد می‌کند (Akhund Ghahroudi, 2011). این در حالی است که توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و رفع موانع گوناگون بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی از جمله الزامات در مسیر توسعه روستایی می‌باشد. همچنین، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی به عنوان عامل کلیدی جهت دستیابی به توسعه‌ی پایدار تلقی شده و نقش مهمی در ارتقای منزلت خانوار، افزایش سطح رفاه خانواده، افزایش بهره‌وری فعالیت‌ها و عاملی جهت کاهش شکاف میان خانواده‌های شهری و روستایی و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به شهرها خواهد شد. با این حال متأسفانه در مورد موقعیت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی در ایران مطالعات محدودی انجام شده است که آن هم اغلب به مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر اشتغال زنان روستای اختصاص داشته است (Khajeh Nouri & Hatami, 2007). لذا، با توجه به ضرورت پژوهش، هدف تحقیق حاضر تعیین وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی و تعیین عوامل مؤثر بر بهبود آن می‌باشد. دستیابی به این اهداف از طریق پاسخ به سوالات زیر میسر می‌گردد:

۱. ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی کدامند؟
۲. وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی در جوامع روستایی چگونه است؟
۳. عوامل مؤثر در جهت بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی کدامند؟

پایگاه اقتصادی-اجتماعی شاخص ترکیبی می‌باشد که تجربه‌ی کاری و موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد را نسبت به دیگر افراد جامعه بیان می‌دارد و برای سنجش آن راه‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها، شاخص‌های مستقیم و غیر مستقیم اند (Falkingham & Namazie, 2002). شاخص‌های مستقیم شامل میزان درآمد ماهانه، میزان تحصیلات و نوع شغل افراد در جامعه است که از شاخص‌های قدیمی برای سنجش وضعیت اقتصادی-اجتماعی افراد به شمار می‌آیند و میزان دارایی‌های تحت مالکیت افراد، از جمله شاخص‌های غیرمستقیم و جدید است که در مطالعات توسعه و سنجش سلامتی افراد به کار می‌رود (Marmot, 2004). درآمد ماهیانه به مجموع دریافتی در طول یک دوره (معمولاً یک ماه) به ازای انجام فعالیت اقتصادی معین اطلاق می‌شود (Deaton, 1997). میزان تحصیلات به معنی تعداد سال‌هایی است که افراد تحت آموزش رسمی قرار گرفته‌اند. این متغیر در کسب نوع شغل افراد در جامعه و میزان درآمد ماهیانه افراد نقش مهمی ایفا می‌کند (Miech & Hauser, 2001). شغل، حرفه‌ای اقتصادی است که افراد در بیشتر عمر خود بدان مشغولند و در قبال ارائه خدمات و یا کالا مبلغی معین دریافت می‌کنند (Nordstorm et al., 2004).

متغیرهایی که برای سنجش شاخص دارایی‌های افراد به کار می‌روند بسیار متنوع‌اند و مواردی از قبیل زمین زراعی، منزل مسکونی، کارگاه تولیدی، ماشین و مانند آن را در بر می‌گیرند. این متغیرها برای روستا نشینان و

شهر نشینان و برای زنان و مردان جداگانه به کار گرفته می‌شوند. به عنوان مثال، متغیر زمین زراعی برای سنجش وضعیت اقتصادی-اجتماعی روستاییان بسیار مناسب‌تر از میزان دارایی‌ها بر منابع تولیدی دیگر متغیرها به‌شمار می‌آید (Lindelow, 2006).

عوامل فرهنگی به علت گستردگی، می‌تواند به اشکال مختلف، در آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و مذهب و بینش افراد نمود پیدا کند و مانعی برای مشارکت گسترده زنان در صحنه‌های مختلف جامعه محسوب شود (Fakhraee, 1997). به گونه‌ای که هم اکنون، مشارکت زنان در قدرت سیاسی و اجتماعی جنبه‌ی توسعه‌ای ندارد، زنان در تصمیم‌گیری‌ها نقش ندارند. آنان، در همه‌ی رأی‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند، اما در سازمان‌های مدیریتی (شوراهای روستایی و دهیاری‌ها) حضور ندارند. علاوه بر این، آن‌ها در نهادهای تولیدی نیز غایبند (Afrakhteh, 2011). در نتیجه می‌توان گفت، مشارکت روستاییان از نوع مشارکت توسعه‌ای نبوده و بیشتر جنبه مشارکت ابزاری دارد (Papoly Yazdi & Ebrahimi, 2002).

روند توجه به زنان در فرآیند توسعه

هرچند، الزام مشارکت اقتصادی-اجتماعی مولد، آگاهانه و داوطلبانه زنان در برنامه‌های توسعه در تاریخ تکامل و پیشرفت جوامع بشری همیشه مطرح بوده است (Sabet Ghadam, 2012) اما، تا قبل از دهه‌ی ۱۹۶۰ نقش زنان در توسعه چندان مورد ملاحظه قرار نمی‌گرفت و در دستیابی به شاخص‌های توسعه، زنان غالباً از محدودیت بیشتری رنج می‌بردند. از سال ۱۹۷۰ توجهات جهانی و پروژه‌های تحقیقاتی به سمت زنان جلب گردید (Aleagha, 2006). اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زن و هم‌چنین کنفرانس جهانی «اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی»^۱ در سال (۱۹۷۹) توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زن در فرآیند توسعه جلب نمود. هدف اصلی این دو رخداد جهانی، پشتیبانی از زنان روستایی به عنوان «تولیدکنندگان» و اولویت خاص آن‌ها در دسترسی به منابع تولید، بخصوص تکنولوژی‌هایی که بتوانند از حجم کار آنان کاسته و بر بهره‌وری آنها بیافزاید، بود. بعلاوه در این سال‌ها، مشارکت زنان روستایی به صورت برابر در روند توسعه روستایی مشارکت اعلام شد. ضمناً، توجه به ابعادی مانند برابری در وضعیت قانونی، دسترسی به منابع روستایی و خدمات، فرصت مساوی در آموزش و اشتغال، گردآوری اطلاعات در مورد زنان روستایی و حمایت از تشکل‌ها و در پی آن اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل، انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی برای رفع تبعیض از زنان بوجود آورد (Saleh nasab, 1999)، با همه این اوصاف، گزارش بررسی جهانی سال (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که تا پیش از این تاریخ هیچ کشور کم‌تر توسعه یافته‌ای در برنامه توسعه بخش کشاورزی خود، زنان روستایی را در نظر نداشته است، اما از سال (۱۹۸۵)، تغییرات اساسی در این دسته از کشورها رخ داده است.

سازمان خواروبار و کشاورزی^۱ در نود و چهارمین نشست خود در نوامبر (۱۹۸۸) برای حضور فعال زنان روستایی و مشارکت آنان در توسعه، یک برنامه کار طرح کرد و به کشورهای در حال توسعه توصیه نمود. در این زمان برخی از کشورها، مانند: برزیل، پرو و کاستاریکا با پشتیبانی‌های مالی

^۱.WCARRD

سازمان خواروبار و کشاورزی، برنامه ملی برای زنان روستایی خود تهیه کردند (Aftakhar, 1998). با همه‌ی این پیشرفت‌ها می‌توان گفت، هنوز در ذهن بسیاری از طراحان سیاست‌های توسعه‌ی کشاورزی این فرض نادرست وجود دارد که کشاورزان و کارگران روستایی اغلب مرد هستند.

در ایران نیز، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و ارتقای شاخص‌های آن‌ها در فرآیند توسعه‌ی روستایی در افق ۲۰ ساله چشم انداز توسعه‌ی کشور از جمله اهداف و سیاست‌های کلی می‌باشد (Sabet Ghadam, 2012). با این حال مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه، هنوز تعادل مطلوب و قابل قبولی در این امر و استفاده متعادل از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعدادها برقرار نشده است (Management and Planning Organization, 2003).

در بیشتر جوامع روستایی، زمین مهم‌ترین وسیله تولید است و کنترل بر زمین و همه متعلقات آن، علت عمده استقلال اقتصادی است که این خود بسیاری از روابط را به وجود می‌آورد و از جمله اینکه قدرت چانه زنی را بالا می‌برد. بنابراین، داشتن حتی یک قطعه زمین کوچک اهمیت حیاتی دارد. زنان به علت نداشتن کنترل بر حقوق زمین، همواره در مورد درآمد و جایگاه در جامعه وابسته به مردان هستند و چون دسترسی به اعتبار و دیگر خدمات عموماً به طور مستقیم در ارتباط با دسترسی به زمین است، زنان با طیف وسیعی از محدودیت در ارضای نقش‌هایشان به عنوان تولیدکننده مواجه می‌شوند. تأثیر این محدودیت دسترسی به زمین این است که زنان در زمینه درآمد و پایگاه خود به مردان وابسته‌اند. همچنین عدم کنترل زنان بر کار و درآمدشان دومین عامل مهم در زمینه مشارکت زنان روستایی است (Zobeidan, 1984). تحلیل فعالیت‌های اقتصاد زنان روستایی شهرستان اصفهان نشان داد، انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال البته در کنار فرصت‌های فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، به ترتیب مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در فعالیت اقتصادی زنان این روستا است (Nouri & Nourmohammadi, 2007).

بررسی پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان شهرستان همدان و عوامل مؤثر بر هم نشان داد، ۳/۳۶ درصد زنان در پایگاه پایین، ۹/۵۵ در پایگاه متوسط و ۸/۷ درصد در سطح بالایی از پایگاه اقتصادی-اجتماعی قرار داشته و از میان متغیرهای مستقل تحقیق، بیش‌ترین اثر مثبت مربوط به متغیر مشارکت اقتصادی بوده است. به طوری که افزایشی یک درصدی در میزان این شاخص، منجر ۴۸۸/۰ درصدی در احتمال بهبود پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان خواهد شد (Soroush Mehr et al., 2009). پژوهش نوری و غفاری (Nouri & Gafari, 2006) نیز نشان داد که وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی استان چهارمحال بختیاری از سویی تحت تأثیر ساختارهای مکانی فضایی قرار دارد و از سویی دیگر با عواملی چون میزان برخورداری از مهارت‌های عمومی و دسترسی یا کنترل بر منابع و عوامل تولید مرتبط است. از این رو، از دیدگاه آنان ارتقاء سطح تحصیلات، برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی-ترویجی، فراهم ساختن زمینه افزایش دسترسی، کنترل و تملک زنان روستایی بر منابع و عوامل تولید، می‌تواند در زمینه ارتقاء وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی مؤثر واقع گردد. در تعهدات بین‌المللی، از جمله دستور کار ۲۱، مواردی همچون شناخت نقش زنان، دسترسی و کنترل بر منابع، فقرزدایی از زنان با آموزش

و کار و سازماندهی و قدرتمند کردن آن‌ها به عنوان عوامل مؤثر در تحکیم وضعیت زنان برشمرده شده است (WEDO, 2004).

علی‌رغم محدودیت‌های اقتصادی، محدودیت‌های فرهنگی و سنتی و موانع اجتماعی همچون پایین بودن سطح سواد، تبعیض جنسیتی، دسترسی محدود زنان در مکانیسم قدرت و تصمیم‌گیری، می‌توانند دلایلی برای ضعف وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی محسوب شوند. نصیری و همکاران (Nasiri et al., 2012) نیز عامل اساسی وضع نامطلوب زنان را در نظام اقتصادی، موقعیت پایین آن‌ها در نظام اجتماعی و فرهنگی می‌داند و سلطه مردان و تبعیت زنان را ویژگی پایدار تمامی جوامع می‌پندارند. تفاوت فاحش میان جامعه‌ی شهری و روستایی گویای این مطلب است که در جامعه‌ی روستایی بسیاری از نقش‌های سنتی از سوی جامعه به زنان تحمیل شده است.

خباز زاده (Khabaz zadeh, 2011) نیز معتقد است، هم‌اکنون زنان ساکن در اکثر مناطق روستایی کشور، در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت نمی‌کنند. برخی از این دلایل عبارتند از: ارزش‌های حاکم بر جوامع روستایی، آداب و رسوم سنتی و تاریخی، بافت مردسالاری جامعه و تعصبات خانوادگی به صورت موافقت نکردن پدر یا همسر با حضور زنان، عدم تمایل به از دست دادن نیروی کار منزل، دسترسی پایین زنان به اعتبارات و تسهیلات نهادها و عوامل تولید و عدم دسترسی مناسب به کانال‌های دستیابی اطلاعات. در نهایت، همه‌ی این عوامل سبب گردیده که زنان در جامعه‌ی سنتی ایران، تابع سنت‌های رایج و فرهنگ‌های محلی شوند. بر این اساس بهبود خدمات اجتماعی زنان در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت، گسترش و توسعه شبکه‌های حمایتی، تضمین مشارکت فعال و مؤثر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از رویکردهای اصلی بهبود وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان روستایی می‌باشد که در بسیاری از مطالعات مورد تأکید قرار گرفته است.

از سویی دیگر، بسیاری از مطالعات که به منظور بررسی تأثیر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه انجام شده، نقش مهم این متغیر را مورد تأکید قرار می‌دهند (Izadpanah, 1998; Lahsae zadeh et al., 2005). برخی از محققان بهبود وضعیت زنان را وابسته به نگرش مردان، می‌دانند. از دیدگاه آنان قدرت زنان به میزان زیادی وابسته به خانواده می‌باشد و سیاست‌ها برای تعیین موقعیت بهتر زنان بر اساس تغییر نگرش مردان و حمایت از زنان در تمام سطوح می‌باشد (Mansourabadi & Karamy, 2006).

زنان به دلیل وضعیت فیزیولوژیکی و زیستی، نسبت به مردان موقعیت متفاوتی دارند. این تفاوت به تفاوت در وضعیت اقتصادی-اجتماعی این دو گروه منجر شده است. به نحوی که این برداشت و نگرش در جامعه‌ی سنتی وجود دارد که مردان از زنان، چه در زمینه‌های جسمی و چه در زمینه‌ی استعدادها، روحیات و تفکرات توانمندتر هستند. بر این اساس، در کل نظام اجتماعی، نقش زن در حفظ نظام خانوادگی و تربیت فرزندان محدود شده است.

آل‌آقا (Aleagha, 2006) بیان می‌دارد، زنان روستایی فرصت اشتغال فردی خصوصاً اشتغالات غیر کشاورزی را به دلیل فرسودگی جسمی ناشی از کهولت سن و یا بیماری که بیشتر ناشی از سختی کار

کشاورزی است از دست می‌دهند. بنابراین نه تنها در شرایط بحرانی اقتصادی آن‌ها قادر به گسترش درآمد خویش از طریق مشاغل درآمدزا نمی‌باشند، بلکه با ازدیاد بیکاری اشتغال سابق خود را نیز از دست می‌دهند.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کمی، از نظر نوع کنترل متغیرها، از نوع غیر آزمایشی و از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش توصیفی و پیمایشی را زنان روستای کهریز شهرستان کرمانشاه تشکیل دادند. محاسبه حجم نمونه از میان زنان روستایی، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و روش نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفت (n=۱۰۳ و N=۲۷۴). ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای شامل بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی بود که در طراحی آن از شاخص ترکیبی (Marmot, 2004) و (Falkingham & Namazie, 2002) الهام گرفته شد. برای ساخت این شاخص ترکیبی، از متغیرهایی مانند میزان درآمد ماهانه، میزان تحصیلات و نوع شغل افراد مورد مطالعه، نوع املاک و سرمایه‌های تحت تملک، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور روستا، میزان پس‌انداز زنان جامعه مورد مطالعه، باور توانمندی‌های اجتماعی فرد توسط خانواده، باور توانمندی‌های اقتصادی فرد توسط جامعه روستایی، تجربه سرمایه‌گذاری مستقل در فعالیت‌های اقتصادی، برخورداری از مهارت‌های کارآفرینانه استفاده شد.

جهت بررسی تأثیر متغیرهای مختلف بر بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی نیز متغیرهایی مانند: میزان تحصیلات همسر، تفاوت سنی با همسر، مهارت‌های اقتصادی زنان، شاخص اعتماد به نفس، شاخص خود اثر بخشی، شاخص خشونت خانگی و تحرک اجتماعی بکار گرفته شد. در نهایت، روایی ظاهری و محتوایی پژوهش، توسط هیئت علمی گروه ترویج و توسعه-ی روستایی پردیس کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه به تأیید رسید. همچنین پایایی ابزار پژوهش نیز با محاسبه آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانگر پایایی بالای پرسشنامه بود. پس از آماده‌سازی پرسشنامه، به علت بیسوادی یا کم‌سوادی زنان جامعه مورد مطالعه، پرسشنامه بصورت مصاحبه تکمیل گردید و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج و بحث

یافته‌ها نشان داد که زنان روستایی جامعه مورد نظر در محدوده سنی ۱۷ تا ۶۸ سال قرار داشته و میانگین سنی آنان ۳۸/۲۱ سال بود. بیشترین تعداد افراد نمونه در گروه سنی بالای ۴۰ سال جای داشتند. همچنین یافته‌ها نشان داد بیشتر خانواده‌ها (۴۷/۵ درصد) جمعیت بین ۶-۴ نفر داشتند. وضعیت تأهل زنان نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی (۲۶،۵ درصد) از آنان مطلقه بوده و یا همسر آن‌ها فوت کرده است (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه بر اساس ویژگی‌های فردی

Table 1- Distribution of the surveyed population of individual properties

Property	ویژگی	فراوانی Frequency	درصد Percent
	۲۰ سال و کمتر Under 20 years	8	7.8
سن Age	۲۱-۳۰ سال 21-30 years	30	29.1
	۳۱-۴۰ سال 30-41 years	27	26.2
	۴۰ و بالاتر More than 40 years	38	36.9
وضعیت تأهل Marital status	متاهل Married	75	72.8
	مطلقه یا همسر متوفی Divorced or deceased wife	28	27.1
تعداد اعضای خانواده Number of family members	0-3	33	32.7
	4-6	48	46.6
	9-7	19	18.44
	بالای ۱۰ نفر More than 10 persons	3	2.91
	جمع کل Total	103	100

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۲) وضعیت شغلی زنان مورد مطالعه را نشان می‌دهد. در بررسی فعالیت اقتصادی زنان مشخص شد که ۸۹/۲ درصد زنان فاقد شغل درآمدزا هستند که پس از مصاحبه با پاسخگویان مشخص شد فراهم نبودن سرمایه و امکانات مادی و همچنین فرهنگ سنتی و مردسالارانه‌ی حاکم بر روستا از مهم‌ترین دلایل بیکاری زنان روستایی می‌باشد.

بر اساس داده‌های جدول (۳)، اکثر زنان روستایی دارای مهارت اقتصادی بوده (۵۶/۷ درصد)، اما همانگونه که از داده‌های جدول (۲) پیداست تنها ۱۰/۸ درصد آنان دارای شغل درآمدزا هستند. یعنی، زمینه تبدیل مهارت اقتصادی به مشارکت اقتصادی در میان زنان روستایی وجود ندارد.

جدول (۳) نشان می‌دهد، اصلی‌ترین فعالیت شغلی زنان روستایی نخ ریزی بوده است (۱۱/۷ درصد). بعلاوه، بر اساس داده‌های جدول (۴)، تنها ۱ درصد زنان روستایی دارای درآمد بالای ۱۵۰۰۰۰۰ ریال در ماه هستند. همانگونه که از جدول (۵) پیداست، ۹۳/۲ درصد از زنان دارای هیچ نوع مالکیتی نمی‌باشند و تنها ۶/۸ درصد از این زنان دارای زمین زراعی و یا منزل مسکونی می‌باشند.

جدول ۲- توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس وضعیت شغلی زنان

Table 2- Classification of rural women into status of occupational

وضعیت شغلی زنان Status of occupational	فراوانی Frequency	درصد Percent
دارای شغل درآمدزا Self-employed income	11	10.8
فاقد شغل درآمدزا Without self-employed income	92	89.2
جمع کل Total	103	100

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳- توزیع فراوانی زنان براساس نوع مهارت اقتصادی

Table 3- Distribution of the surveyed population of economic skills

نوع مهارت اقتصادی Types of economic skills	فراوانی Frequency	درصد Percent
فاقد مهارت یا دارای مهارت اقتصادی پایین Unskilled Or low economic skills	45	43.7
کشاورزی Agriculture	4	3.9
دامداری Animal husbandry	11	11.7
صنایع دستی Crafts	3	2.9
نخ ریزی Spinning	13	11.7
خیاطی Sewing	10	9.7
فرشافی weaving carpet	5	4.9
گیوه بافی Shoemaker weaving	1	1
پخت نان Baking bread	4	3.9
بافندگی Knitting	1	1
آرایشگری Make up	1	1
سایر Other	5	4.9
جمع کل Total	103	100

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۴- توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس میزان درآمد

Table 4- Distribution of the surveyed population of the amount of income

میزان درآمد (ریال) Income	فراوانی Frequency	درصد Percent	درصد تجمعی Cumulative percent
بدون درآمد Without the Income	95	93.1	93.1
500000-1500000 Rial	6	5.9	99
More than 1500000 Rial	1	1	100
جمع کل Total	102	100

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۵ - توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس وضعیت تملک

Table 5- Distribution of the surveyed population of ownership status

وضعیت تملک	فراوانی	درصد
Ownership status	Frequency	Percent
Lack of ownership عدم تملک	96	93.2
Farm زمین زراعی	1	1
House منزل مسکونی	6	5.8
Total جمع کل	103	10

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق با یافته‌های ارائه شده در جدول (۶)، از میان ۱۰۳ نفر زنان روستایی در جامعه مورد مطالعه ۴۲/۲ درصد بیسوادند که بیشترین جمعیت جامعه را تشکیل دادند و تنها ۳/۹ درصد از آنها تحصیلات بالای دیپلم دارند که این ارقام نشان دهنده وضعیت نامناسب آموزشی روستای مورد مطالعه است.

جدول ۶ - وضعیت سواد زنان روستایی

Table 6- Distribution of the surveyed population of literacy

وضعیت سواد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Literacy	Frequency	Percent	Cumulative percent
Illiterate بیسواد	43	42.2	42.2
Elementary ابتدایی	10	9.8	52
reading and writing خواندن و نوشتن	31	30.4	82.4
tips راهنمایی	12	11.8	94.1
High school متوسطه	2	2	96.1
Diploma دیپلم و بالاتر	4	3.9	100
Total جمع کل	102	100	

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

از جمع شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان ساخته شد. جدول (۷). همانگونه که از داده این جدول مشخص شده است، ۶۱/۲ درصد زنان روستایی مورد مطالعه از پایگاه اجتماعی - اقتصادی ضعیف و ۳۵ درصد از پایگاه اجتماعی متوسطی برخوردارند و تنها ۳/۹ درصد زنان روستایی مورد مطالعه از پایگاه بالایی برخوردار هستند.

جدول ۷ - وضعیت وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی

Table 7- Analysis the Socio-Economic Status of Rural Women

وضعیت اجتماعی - اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Socio-Economic Status	Frequency	Percent	Cumulative percent
low level پایین	63	61.2	61.2
mediocre متوسط	36	35	96.1
high level بالا	4	3.9	100
Total جمع کل	103	100	

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق با داده‌های جدول (۸)، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه با متغیرهای میزان تحصیلات، میزان درآمد، مشارکت اقتصادی، دارا بودن تحرک اجتماعی در سطح یک درصد وجود داشت. هم‌چنین، بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و نگرش برابری جنسیت ارتباط مثبت و معناداری در سطح ۵ درصد برقرار است.

جدول ۸- نتیجه آزمون ضریب همبستگی در خصوص ارتباط متغیرهای مستقل با پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان
Table 8- Correlation coefficient test results on the association between independent variables with rural woman's socio-economic status

متغیرها/Variable	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (Sig)
The age difference with wife تفاوت سنی با همسر	0.7	0.24
Level of Literacy میزان تحصیلات	0.445**	0.000
Income میزان درآمد	0.486**	0.000
Self Confidence اعتماد به نفس	0.061	0.279
Self-Efficacy خود کارآمدی	0.03	0.387
Attitude towards gender equality نگرش برابری جنسیت	0.189*	0.033
Domestic violence خشونت خانگی	0.038	0.035
Economic Partnership مشارکت اقتصادی	0.667*	0.043
Social mobility تحرک اجتماعی	0.353**	0.000
saving پس انداز	0.057	0.288

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

به منظور شناسایی تعیین‌کننده‌های وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان در روستای کهریز، از رگرسیون لجستیک استفاده شد. برای این منظور- روش پیشرو گام به گام^۱ مورد استفاده قرار گرفت، متغیر وابسته تحقیق متغیر دو سطحی (دو وجهی) است که وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان را در دو وضعیت متوسط و پایین مشخص می‌سازد. محقق، به کمک این تکنیک در صدد بود تا احتمال هر یک از دو سطح وضعیت زنان را محاسبه کند. از مجموع متغیرهای مستقل مورد مطالعه (اعتماد بنفس، خود کارآمدی، نگرش برابری جنسیتی، میزان تحصیلات همسر، تحرک اجتماعی، مهارت اقتصادی، مشارکت اقتصادی، خشونت خانگی، تفاوت سنی با همسر) سه متغیر میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیت وارد معادله شدند. در گام اول متغیر میزان تحصیلات، در گام دوم متغیر تحرک اجتماعی و در گام سوم متغیر نگرش برابری جنسیت وارد معادله‌ی رگرسیون شد. بر این اساس، داده‌های جدول (۹) نشان می‌دهد که متغیر میزان تحصیلات با بهبود شاخص کای اسکوتر برابر با ۱۸/۶۸۱، متغیر تحرک اجتماعی در گام بعدی با بهبود شاخص کای اسکوتر برابر با ۱۳/۱۱۳ و متغیر برابری جنسیت در گام سوم با بهبودی شاخص کای اسکوتر ۶/۷۹۳ به طور معنادار وارد معادله شدند و به طور کلی شاخص، بیانگر معناداری مدل است.

^۱Forward Stepwise

جدول ۹- معیارهای معناداری مدل در مراحل مختلف

گام Steps	بهبود شاخص کای اسکوتر -2 log likelihood	درجه آزادی DF	معناداری شاخص‌ها Sig
گام اول Step1	18.681	1	0.000
گام دوم Step2	13.113 31.794 31.794	1 2 2	0.000 0.000 0.000
گام سوم Step3	6.793 38.578 38.578	1 3 3	0.000 0.000 0.000

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۱۰)، در نتایج بدست آمده از مطالعه، $-2 \text{ Log likelihood}$ که برای نشان دادن برآزش مدل آورده شده است. اولی مربوط به گام اول می‌باشد که در آن تنها متغیر مستقل میزان تحصیلات وارد معادله شده است (برابر با ۱۱۲/۱۸۰). با ورود متغیر مستقل تحرک اجتماعی در مدل، مقدار $-2 \text{ Log likelihood}$ به میزان ۱۳/۱۱۳ درصد کاهش یافته است و با ورود متغیر نگرش برابری جنسیت مقدار $-2 \text{ Log likelihood}$ نسبت به دومین مقدار ۷/۳۳۳ درصد کاهش داشته است که بیانگر ۷/۳۳۳ درصد بهبود کای اسکوتر می‌باشد.

در جدول (۱۱)، ابعاد مختلف متغیر وابسته نشان داده شده است. ستون درصد تشخیص صحیح^۱، دقت مدل در تفکیک زنان با وضعیت‌های مختلف را نشان می‌دهد. درصد کل، در این جدول نشان می‌دهد که این مدل تا چند درصد کل افراد را به درستی از یکدیگر تفکیک می‌کند. در گام اول با ورود متغیر میزان تحصیلات حساسیت مدل برای تعیین زنان با وضعیت اجتماعی - اقتصادی ضعیف ۷۵/۸ درصد و زنان با وضعیت اجتماعی - اقتصادی متوسط به ۶۲/۲ درصد می‌باشد. به طور کلی، حساسیت مدل در تعیین وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان مورد مطالعه زمانی که تنها متغیر میزان تحصیلات وارد معادله شود ۷۵/۸ درصد کل است، اما با ورود متغیر تحرک اجتماعی حساسیت مدل برای تعیین زنان با وضعیت اجتماعی - اقتصادی ضعیف ۸۸/۷ درصد و زنان با وضعیت اجتماعی - اقتصادی متوسط به ۵۹/۶ درصد افزایش یافته است و در گام سوم با ورود متغیر نگرش برابری جنسیت حساسیت مدل برای تعیین زنان با وضعیت اجتماعی - اقتصادی ضعیف ۸۳/۹ درصد و زنان با وضعیت اجتماعی - اقتصادی متوسط به ۷۰/۳ درصد افزایش یافته است.

جدول (۱۲)، مقدار ثابت، ضریب B، نسبت برتری (Exp(B))، آمار والد (Wald) و آماره‌های دیگر را برای متغیرهای میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیت نشان می‌دهد. نتایج حاکی از تأثیر مثبت متغیرهای میزان تحصیلات و تحرک اجتماعی است. به نحوی که با افزایش میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیتی، احتمال بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان افزایش خواهد یافت و ضریب منفی متغیر

^۱Correct Percent

نگرش برابری جنسیت بیانگر تاثیر معکوس این متغیر با بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان است به نحوی که با کاهش آن، وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان افزایش خواهد یافت. هم چنین، نسبت برتری (Exp(B)) محاسبه شده برای سه متغیر بیانگر برتری نسبی متغیر تحرک اجتماعی نسبت به متغیر میزان تحصیلات و نگرش برابری جنسیت می باشد.

جدول ۱۰- آماره های برازندگی مدل رگرسیون لجیت

Table 10- Indicators of Logit model

گام Steps	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
گام اول Step1	112.180	0.172	0.234
گام دوم Step2	99.067	0.275	0.375
گام سوم Step3	92.274	0.323	0.440

Source: Research Findings

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۱- جدول دسته بندی افراد مورد مطالعه^a

Table 11- Classification Table

گام ها Steps	تعداد مشاهده شده Observed	تعداد مورد انتظار Predicted		درصد صحت تفکیک Percentage Correct
		وضعیت اجتماعی-اقتصادی Socio-Economic Status ضعیف low level	متوسط mediocre	
گام اول Step1	ضعیف low level	52	10	83.9
	متوسط mediocre	14	23	63.2
	درصد کل Overall Percentage	-	-	75.8
گام دوم Step2	ضعیف low level	55	7	88.7
	متوسط mediocre	15	22	59.6
	درصد کل Overall Percentage	-	-	77.8
گام سوم Step3	ضعیف low level	52	10	83.9
	متوسط mediocre	11	26	70.3
	درصد کل Overall Percentage	-	-	78.8

Source: Research Findings

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۲- ضرایب، سطح معنی داری و نسبت برتری متغیرهای وارد شده در مدل

Table 12- Variables in the Equation

گام Steps	متغیرها Variable	B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
گام اول Step1	تحصیلات Level of Literacy	1.024	0.251	16.695	1	0.000	2.785
	عدد ثابت Constant coefficient	-3.461	0.773	20.030	1	0.000	0.013
	تحصیلات Level of Literacy	1.040	0.726	14.290	1	0.000	2.828
گام دوم Step2	تحرك اجتماعي Social mobility	1.733	0.528	11.294	1	0.001	5.889
	عد ثابت Constant coefficient	-8.116	1.767	21.101	1	0.000	0.000
	تحصیلات Level of Literacy	1.125	0.297	14.322	1	0.000	3.079
گام سوم Step1	تحرك اجتماعي Social mobility	2.195	0.597	13.524	1	0.000	8.987
	نگرش برابري جنسيت Attitude towards gender equality	-1.214	0.490	6.132	1	0.013	0.297
	عدد ثابت Constant coefficient	-6.372	1.872	11.589	1	0.001	0.002
	تحصیلات Level of Literacy	1.125	0.297	14.322	1	0.000	3.079

Source: Research Findings

منبع: یافته‌های تحقیق

بر مبنای مقدار ثابت و ضریب **B** معادله ی بهینه رگرسیون متغیرهای وارد شده در معادله را به شرح ذیل می‌توان نوشت:

$$۲/۱۹۵(\text{تحرك اجتماعي})++۱/۱۲۵(\text{میزان تحصیلات})+۶/۳۷۲=-\text{برتری لگاریتمی}$$

$$۱/۲۱۴(\text{نگرش برابري جنسيت})$$

بر اساس این معادله برتری لگاریتمی برابر ۰/۵ است، چنانچه مقادیر کوچکتر از ۰/۵ برای زنان مورد مطالعه محاسبه شود، در گروه وضعیت اجتماعی - اقتصادی ضعیف قرار خواهند گرفت و در صورتی بزرگتر از ۰/۵ بدست آید افراد در گروه وضعیت اجتماعی - اقتصادی متوسط قرار خواهند گرفت.

نتیجه گیری کلی

نتایج این پژوهش در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی نشان داد، اکثر این زنان، در وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین (۶۱/۲ درصد)، ۳۴ درصد در از این نظر در سطح متوسط و تعداد کمی هم در سطح بالا قرار داشتند (۳/۹ درصد) که متناسب با یافته‌های پژوهش (Babaei, 2000) می باشد. در جامعه مورد مطالعه وی، ۹۳ درصد زنان در وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین قرار داشته و تعداد معدودی هم در وضعیت بالا قرار داشتند. بر اساس نتایج حاصل از ضریب همبستگی، ارتباط مثبت و معناداری میان متغیرهای میزان تحصیلات، میزان درآمد، تحرك اجتماعي، نگرش برابري جنسيت و متغیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی وجود دارد. در ادامه ی پژوهش، به منظور پیشگویی عوامل مؤثر بر وضعیت اجتماعی - اقتصادی

زنان روستایی از رگرسیون لجوجیت استفاده شد که از میان تمام متغیرهای مستقل تحقیق، سه متغیر میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیت وارد معادله شدند. به طوری که، در گام اول متغیر میزان تحصیلات، در گام دوم متغیر تحرک اجتماعی و در گام سوم متغیر نگرش برابری جنسیت وارد معادله رگرسیون شد. ناگفته پیداست، هر اندازه، زنان و دختران روستایی سطح تحصیلات خود را بالا ببرند، در جامعه روستایی وضعیت اقتصادی-اجتماعی بهتری را کسب کرده و در آینده این اجتماعات نقش مؤثرتری را ایفا می- نمایند که این امر نشانگر لزوم توجه به افزایش سطح سواد زنان روستایی جهت بهره‌گیری از نیروی بالقوه آنان در دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. نتایج پژوهش سروش مهر و همکاران (Soroush Mehr et al., 2009) هم تأکید می‌کند، بهبود تحصیلات زنان روستایی، نقش مؤثری در شناخت جایگاه اقتصادی زنان روستایی و ارتقای وضعیت موجود آنان خواهد داشت. اولایی (Owlai, 2006) نیز یکی از اولین گام‌ها در افزایش توانمندی زنان روستایی را برطرف کردن نیازهای آموزشی آنان می‌داند. بنابراین با توجه به اهمیت این یافته پیشنهاد می‌شود، کلاس‌های نهضت سوادآموزی جهت افزایش سطح سواد زنان روستایی در محیط روستا بیش از پیش تقویت گردد و در این کلاس‌ها نه فقط افزایش آمار تعداد زنان باسواد، بلکه دستیابی واقعی زنان روستایی به سواد مورد توجه قرار گیرد. در این راستا هم چنین پیشنهاد می‌شود مدرسه‌هایی جهت تحصیل دختران بزرگسال و باز مانده از تحصیل در روستاها دایر شود. به علاوه پیشنهاد می‌گردد، زیرساخت‌های لازم آموزش از راه دور برای پیشرفت و اعتلای روزافزون وضعیت آنان در دنیای پیشرفته امروز فراهم گردد. در ادامه پژوهش مشخص شد، چنانچه شاخص تحرک اجتماعی در میان زنان روستایی بهبود یابد، وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنان هم به طور معناداری افزایش می‌یابد. شکوری و همکاران (Shakuri et al., 2006) نیز اظهار می‌دارند، تحرک و فعالیت‌های اجتماعی زنان موجب افزایش توانمندی اجتماعی آنان و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان می‌شود. به منظور افزایش سطح این متغیر در اجتماعات روستایی پیشنهاد می‌شود، اقدامات مؤثری جهت افزایش تحرک و فعالیت‌های اجتماعی زنان صورت گیرد. به عنوان نمونه، صندوق‌های اعتبارات خرد در محیط روستا تحت کنترل و مدیریت زنان روستایی تأسیس و اداره گردد. بسیج زنان در مساجد تقویت شود و از آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مهم اجتماعی روستا استفاده شود. اقدامات فرهنگی مؤثری در جهت کاهش محدودیت‌های فرهنگی زنان روستایی جهت انجام امور اجتماعی برداشته شود. سومین متغیر مؤثر در بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی، نگرش برابری جنسیتی است. بدین معنا که هر چه نگرش برابری جنسیتی در اجتماعات روستایی تقویت گردد، وضعیت این زنان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت. بین این یافته با یافته سروش مهر و همکاران (Soroush Mehr et al., 2009) تناسب برقرار است. حاجیلو و خانی هم معتقدند، پذیرفتن زنان به عنوان کانون زندگی در روابط درونی خانواده، پذیرفتن نقش‌های منحصر به فرد و مستقل از مردان و اعتقاد به نقش متمم و مکمل آنان در معیشت و تولید، پشتوانه مناسبی برای فرو ریختن کلیشه‌های جنسیتی موجود و ارتقای وضعیت و منزلت اجتماعی زنان در فضای فرهنگی و اجتماعی روستا است (Hajilo & Khani, 2008). در این راستا، در جهت افزایش این متغیر و سایر متغیرهای مؤثر در بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی نمی‌توان نقش برنامه‌های ترویجی را نادیده گرفت. برگزاری

کلاس‌های ترویجی برای مردان روستایی جهت آشنا سازی آنان با حقوق مسلم زنان خود و آشنایی آنان با توانایی‌های بالقوه زنان، نقش مؤثری در شکستن نگرش‌های مرد سالاری حاکم بر روستا و افزایش نگرش مثبت نسبت به توانمندی‌های زنان روستایی خواهد داشت. هم چنین، از برنامه‌های ترویجی می‌توان جهت افزایش مهارت اقتصادی زنان روستایی یا در برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی و کمک به آنان جهت تشکیل گروه‌های خودیار و مستقل در فعالیت‌های اجتماعی استفاده کرد. ضمناً، میان افزایش درآمد زنان روستایی و مشارکت اقتصادی زنان روستایی با وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان ارتباط معناداری در سطح ۱ درصد برقرار است. کور و همکاران (Kaur et al., 2005) هم بیان می‌کنند، مشارکت اقتصادی بدون مزد زنان و عدم دسترسی آنان به درآمد ملموس، سبب می‌گردد تا آنان در موقعیت اجتماعی و اقتصادی پایین تری قرار گیرند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود دولت، به راه اندازی مشاغل خانگی توسط زنان و تأسیس تعاونی‌های تولیدی آنان توجه بیشتری کند و زمینه‌های لازم را در ایجاد اشتغال برای آنان تسریع نماید تا بدین وسیله سطح مشارکت اقتصادی در میان آنان بالاتر رفته و این قشر ضعیف و زحمتکش اما مؤثر موجود در روستا دارای درآمد مستقل گردند که مطمئناً این درآمد کمکی به بهبود وضعیت معیشت در خانوارهای روستایی نیز خواهد بود.

References

- Aleagha, F.** (2006). Identify jobs and income for rural women to determine training needs and skills, appropriate. *Women in Development & Politics*, 1(11): 147- 169. [Pesian].
- Aftakhar, R.** (1998). Rural women, *Rural Development. Women and Family*, (45):16. [Pesian].
- Afrakhteh, H.** (2011). Social status - rural women's economic and social impact on the beliefs that (a mountain villages Foumanat case study). *Journal of Rural Development*, 14 (1): 193-173. [Pesian].
- Akhoundi Ghahrood, M.** (2011). Dhyary oriented social and economic participation of women in order to achieve rural development. *Monthly Dhyaryha* , 6 (33): 6-3. [Pesian].
- Azami, M. and Soroush mehr, H.** (2010). Effectives of individual – Economical factors on rural women's participation in productive cooperation (case study: ball making cooperation in Pave & Uramanat district). *Rural Research*,1(4): 179-204. [Pesian] .
- Babaei, H. R.** (2000). Investigation the economic and social status of women in rural and urban communities, Hamadan province. *Management and Planning Organization Hamedan province*. [Pesian].
- Deaton, A.** (1997). *The analysis of household surveys: A microeconomic approach to development policy*. Washington, DC: The World Bank.
- Fakhraee, S.** (1997). Sociology cultural barriers to women's social participation in Iran, *Proceedings of conferences feature women in society, women and cultural development*. Tehran, the capital of basic research university, pp. 92-81. [Pesian].
- Falkingham, J. and Namazie, C.** (2002). *Measuring health and poverty: A review of approaches to identifying the poor*. DFID Health Systems Resource Centre, London, p. 71.
- Hajilo, F. and Khani, F.** (2008). Survey effects of male attitudes creating independent groups of rural women: Case study of East Azerbaijan Province. *Journal of Rural Development*, 11(1): 151-171. [Pesian].
- Izadpanah, A.** (1998). The effect of economic status - male social attitudes toward women's employment Marvdasht in Fars Province", Master thesis, social sciences, farmer Azad University, Fars. [Pesian].
- Jamshidi, M.** (2003). Women and rural development. *Journal Jahad*, No. 257. [Pesian].
- Kaur, A Sherbinin, A. Toure, A. and Jensen, L.** (2005). Economic empowerment of women,

- United Nations Population Fund 220 East 42nd Street New York, New York 10017(UNPF).
- Khabaz zadeh, N.** (2011). Rural women's status and barriers to participation in the development process. *Journal of Research, teaching and promoting Dhyary*, 6 (33): 16-12. [Pesian].
- Khajeh Nouri, B. and Hatami, A.** (2007). Factors influencing the employment of young women in western countries. *International Journal of Sociology*. [Pesian].
- Lahsae zadeh, A. Jahangiri, J. and Khaje Nouri.** (2005). Economic contribution of rural women (Case Study in Fars Province). *Journal of Sociology*, 6 (3): 145-124. [Pesian].
- Lindelov, M.** (2006). Sometimes more equal than others: How health inequalities depend on the choice of welfare indicator. *Health Economics*, No. 15: 263-79.
- Management and Planning Organization.** (2003). Development prospects of the country's 20-year horizon (national sustainable development of global approach), Report No. 17. [Pesian].
- Mansouriabadi, A. and Karamy, E.** (2006). The consequences of the economic, social and cultural rights of rural women: A Case Study in Fars Province. *Journal of Humanities and Social Sciences, Shiraz University*, 2 (24): 107-127. [Pesian].
- Marmot, M.** (2004). *The status syndrome: How social standing affects our health and longevity*, New York: Owl Books.
- Miech, R. Hauser, M.** (2001). Socioeconomic status and health at midlife: A Comparison of Educational Attainment with Occupation-Based Indicators, *AEP*, 11(2).
- Mirzaei, M. and Shahidi, K.** (2006). Survey of effective factors participation of rural women in agriculture and promoting educational activities (case study context and Zaranj city of Kerman province). *the development of productivity*, Spring 1386, 2 (3& 4): 2-11. [Pesian].
- Nasiri, B., Hashemi Fesharaki, M., Kheyri Doost Langarodi, Z.** (2012). Economic situation of women in the Turkish Republic (During 2004-2010). *Women's Studies*, 3(5): 1-157. [Pesian].
- Nordstorma, Ch. V. Diez, R. Sharon, A. Jacksonb, J. and Gardinc, M.** (2004). The association of personal and neighborhood socioeconomic indicators with subclinical cardiovascular disease in an elderly cohort, *The Cardiovascular Health Study. Social Science & Medicine* 59L 2139-2147.
- Nouri, H. A. and Ghaffari, R.** (2006). Position of Iranian rural women in sustainable development process: A case study of Chaharmahal - va - Bakhtiyari Province. *Journal of Village and Development*. 9(3): 79-103. [Pesian].
- Nouri, H. A. and Nourmohammadi, N.** (2007). Study on the economic activities of rural women (Case Study: In the city of Isfahan). *Journal of Geography and Environmental Planning*, 20 (2): 104-87. [Pesian].
- Owlai, S.** (2006). Gender analysis of participation in agriculture and the rural population of the city of Kermanshah. MS Thesis Rural Development, Faculty of Agriculture, Razi university of Kermanshah. . [Pesian].
- Papoly Yazdi, M. and Ebrahimi, M. A.** (2001). *Rural development theories of the publisher*. Tehran. [Pesian].
- Ravad Rad, A.** (2000). An analysis of the role of women in development, with an emphasis on employment. *Social Science Journal*, No.15 :27-3. [Pesian].
- Sabat Ghadam, S.** (2012). The role of women in rural development. *Farzanh Magazine*, May 2012 (2 and 3) . [Pesian].
- Saleh Nasab, G. H.** (1999). The role of women in agricultural development, *FAO," Jahad Magazine*, Issue 3. [Pesian].
- Shakuri, A. Rafat Jah, M., Jafari, M.** (2006). Indicators of women's empowerment and Determine the factors affecting them. *journal of Women Research*, 5(1): 1-26. . [Pesian].
- Soroush Mehr, H. Rafiee, H. Kalantari, K. and Shbanali Fami, K.** (2009). Study economic

and social status rural women and factors affecting its improvement (case study in Hamadan city). *Journal of Rural Studies*, 1 (1): 165-143. [Pesian].

WEDO (Women,s Environment and Development Organization) (2004) “paper”:available on www.wedo.org

Zobeidan, A. (1984). Rural women and thire work dependence and altarnatives for change. *International labour Review*.Vol.123, No.1.Januery-Fabrua